

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۰۷ مارچ ۲۰۲۳

حملات کیمیایی جمهوری اسلامی

علیه دختران دانش آموز در مدارس ایران ادامه دارد!

امروز یکشنبه ۱۴ اسفند ۱۴۰۱-۵ فوریه ۲۰۲۳، کابوس بزرگی برای اکثریت شهروندان ایران، به ویژه خانواده دانش آموزان دختر به دلیل سلسله حملات کیمیایی به مدارس دخترانه بود.

به گزارش رسانه های اجتماعی در روز ۱۲ اسفند، یک دختر دبیرستانی دیگر بر اثر حملات کیمیایی اخیر به مدارس دخترانه جان باخت. نام این دختر، ساناز جمشیدی می باشد اما اطلاعات بیشتری در مورد سن و مدرسه وی ساناز جمشیدی ساناز جمشیدی در زمان انتشار این خبر در دسترس نیست.

مرگ دختر دبیرستانی ساناز جمشیدی پس از جان باختن فاطمه رضایی دانش آموز ۱۱ ساله قمی رخ می دهد که اولین دانش آموزی بود که به دلیل مسمومیت در اثر این حملات کیمیایی جان باخت.

ضرب و شتم و دستگیری مرد و زن معترض به مسمومیت های سریالی دانش آموزان در تهران. جرم این دو نفر که به شکل وحشیانه دستگیر شدند، این بود که مقابل اداره آموزش و پرورش رفتند و گفتند دختران مدرسه ای را مسموم نکنید.

دو روز پیش هم یک مامور لباس شخصی موهای سر مادری را در مقابل یکی از مدارس تهران گرفته بود و با تمام قدرت می کشید.

معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی اهواز از افزایش تعداد دانش آموزانی که امروز در استان خوزستان دچار مسمومیت شده اند، به ۷۰۰ نفر خبر داد. وی افزود: ۵۰۰ نفر از این بیماران درمان و از بیمارستان ها ترخیص شده اند و ۲۰۰ نفر همچنان تحت نظر هستند.

گزارش ها از ایران حاکی از وقوع مسمومیت دانش آموزان در چندین شهر امروز نیز تکرار شده و خودروهای اورژانس به مدارس اعزام شده اند.



سه ماه از ماجرای مسمومیت زنجیره‌ای دانش‌آموزان دختر که از نهم آذر در برخی مدارس قم آغاز شده است، می‌گذرد، فاجعه‌ای که برای اولین بار در هنرستان دخترانه نور قم رخ داد. این اتفاق به‌صورت متوالی در مدارس مختلف ادامه پیدا کرد.

حجت‌الاسلام محمدجعفر منتظری، دادستان کل کشور گفته است: «با وجود اقدامات گسترده اطلاعاتی، امنیتی و بهداشتی و آزمایش‌های فراوان هنوز سرنخ‌های مشخصی در این مورد به دست نیامده است.»

بیش از سه ماه از شروع سریال مسمومیت‌ها می‌گذرد، مسمومیت‌هایی که دانش‌آموزان دختر را نشانه گرفته است، محل مسمومیت‌ها مدرسه است و هر بار از مدرسه یک شهر خبر می‌رسد که تعدادی دانش‌آموز به مراکز درمانی منتقل شده‌اند، شروع این سریال هم از مدارس قم بود، «انتقال ۱۸ دانش‌آموز دختر به بیمارستانی در قم» اولین خبری بود که نهم آذر منتشر شد، روز ۲۲ آذر هم روابط عمومی آموزش و پرورش قم از انتقال ۵۱ دانش‌آموز قمی به بیمارستان خبر داد، روندی که بعدتر نه تنها در قم بلکه در شهرهایی مانند بروجرد، تهران، اردبیل، کرمانشاه، ایلام، کرج، تبریز، همدان، اراک و برخی دیگر ادامه پیدا کرد. همزمان با روز سیزدهم اسفند روند مسمومیت دانش‌آموزان در مدرسه متوقف نشد، لیست زیر تعداد مدرسی که امروز یکشنبه ۱۴ اسفند ۱۴۰۱، دانش‌آموزان آن مسموم شدند:

مدرسه نمونه‌دولتی حضرت معصومه کرمانشاه؛ مدرسه دخترانه؛ فرزندگان دوره اول کرمانشاه؛ مدرسه دخترانه رضوان کرمانشاه؛ مدرسه دخترانه اندیشمندان سعدی تبریز؛ مدرسه دخترانه سما تبریز؛ مدرسه دخترانه آزادی تبریز؛ دبستان دخترانه آزادی تبریز؛ مدرسه دخترانه باسمنج منطقه ۱ تبریز؛ مدرسه دخترانه ستار داداشی منطقه ۲ تبریز؛ مدرسه پسرانه شهریار اردبیل؛ مدرسه دخترانه تدین اردبیل؛ مدرسه دخترانه نورالزها ارومیه؛ مدرسه دخترانه نرجس ارومیه؛ مدرسه دخترانه فرزندگان ناحیه ۱ ارومیه؛ مدرسه دخترانه فاطمه زهرا کوار شیراز؛ هنرستان نمونه دولتی دخترانه مهر شیراز؛ مدرسه دخترانه تاج‌گردون لاهیجان؛ مدرسه دخترانه طباطبایی لاهیجان؛ مدرسه دخترانه مقدسی اصل لاهیجان؛ مدرسه؛ دخترانه ستوده لاهیجان؛ مدرسه دخترانه هجرت لاهیجان؛ مدرسه دخترانه بنت‌الهدی لاهیجان؛ دبستان دخترانه پورخصالیان لاهیجان؛ مدرسه دخترانه توحید لاهیجان؛ دبستان دخترانه عصمت رشت؛ دبستان دخترانه دانش جعتی رشت؛ مدرسه دخترانه صابری؛ رشت؛ مدرسه دخترانه سرافراز رشت؛ مدرسه دخترانه شاهد رشت؛ مدرسه دخترانه فرزندگان رشت؛ مدرسه دخترانه پیشگامان رشت؛ مدرسه دخترانه حمزه رفعتی رشت؛ مدرسه دخترانه نرجس در ستارخان تهران؛ مدرسه دخترانه نیایش بهارستان ۲ تهران؛ دبستان؛ دخترانه تاجیک بهارستان ۲ تهران؛ مدرسه شهیدمهدوی بهارستان ۲ تهران؛ مدرسه پسرانه پروین اعتصامی اورین بهارستان ۲ تهران؛ مدرسه دخترانه بشری سعادت‌آباد تهران؛ مدرسه دخترانه اسدآبادی تهران؛ مدرسه دخترانه امام هادی تهران؛ مدرسه دخترانه نورفرهنگ تهران؛ مدرسه دخترانه هنرستان پاسداران تهران؛ مدرسه دخترانه نواب صفوی تهران؛ مدرسه دخترانه اعتمادفرد تهران؛ مدرسه دخترانه فروغ دین منطقه ۸ تهران؛ مدرسه فرزندگان دوره اول متوسطه؛ چهار کرج؛ مدرسه دخترانه حضرت خدیجه کرج؛ مدرسه دخترانه راهنمایی استقلال کرج؛ مدرسه دخترانه فاطمیه کمالشهر کرج؛ مدرسه پسرانه کار و دانش کرج؛ مدرسه پسرانه طباطبایی کرج؛ مدرسه دخترانه فاتحی کرج؛ مدرسه دخترانه جهاد کرج؛ مدرسه دخترانه مهاجر کرج؛ مدرسه دخترانه نرجس پرند؛ مدرسه دخترانه ریحانه پرند؛ مدرسه دخترانه محمدی‌پور پرند؛ مدرسه دخترانه؛ مرتضی‌محمدی پرند؛ مدرسه دخترانه نفیس پرند؛ مدرسه دخترانه جوادالائمه نسیم‌شهر؛ مدرسه دخترانه فرزندگان نسیم‌شهر؛ دبستان؛ دلاوران پسرانه مسکن مهر صفادشت؛ مدرسه دخترانه مهراندیشان مسکن مهر صفادشت؛ مدرسه دخترانه عصمت صفادشت؛ مدرسه؛ دخترانه حجت صفادشت؛ مدرسه دخترانه رفسنجانی پاکدشت؛ مدرسه دخترانه امامت پاکدشت؛ مدرسه دخترانه الغدیر پاکدشت؛ مدرسه دخترانه بهار پاکدشت؛ مدرسه دخترانه امامت

پاکدش؛ مدرسه دخترانه الزهرا اسلامدشت؛ مدرسه دخترانه راضیه هشتگرد؛ مدرسه دخترانه موسی ابن جعفر باقرشهر؛ مدرسه دخترانه ادب اسلامشهر؛ مدرسه دخترانه رضوان اسلامشهر؛ مدرسه دخترانه نیایش اسلامشهر؛ مدرسه دخترانه قاضی اسلامشهر؛ مدرسه دخترانه باقرالعلوم اسلامشهر؛ مدرسه دخترانه اسدیان اسلامشهر؛ مدرسه دخترانه ام‌ابیه اسلامشهر؛ مدرسه دخترانه فدک شهریار؛ مدرسه دخترانه توحید شهریار؛ مدرسه دخترانه ولیعصر وحیدیه شهریار؛ هنرستان دخترانه تهذیب همدان؛ مدرسه دخترانه طالقانی همدان؛ مدرسه دخترانه فاطمه کبودراهنک همدان؛ مدرسه دخترانه علاقبندیان همدان؛ مدرسه جاویدالاثر همدان؛ مدرسه دخترانه دارالزهرا قم؛ مدرسه دخترانه کاشانی محلات؛ مدرسه دخترانه معصومه تبریز؛ مدرسه دخترانه ولیعصر زنجان؛ هنرستان دخترانه فضیلی اصفهان؛ دبیرستان سیدجمال‌الدین اصفهان؛ مدرسه دخترانه برجسته اصفهان؛ مدرسه دخترانه آفرینش فولادشهر اصفهان؛ مدرسه دخترانه بهشت آیین اصفهان؛ مدرسه دخترانه کتابچی کاشان؛ هنرستان دخترانه آندی خمین؛ مدرسه دخترانه مریم بنجورد؛ مدرسه دخترانه ریحانه‌النبی ناحیه ۲ قم؛ مدرسه دخترانه رضوان قم؛ دبستان دخترانه شهید فهمیده قم مدرسه دخترانه شهدای جهاد قم؛ مدرسه دخترانه غدیر قم؛ مدرسه دخترانه محدثه ناحیه ۲ قم؛ مدرسه دخترانه عبدالرضا موسوی خرمشهر؛ مدرسه دخترانه حاج‌تقوی اراک؛ دبیرستان قدسیه شهرک شهید کشوری ایلام؛ مدرسه دخترانه آزادگان مشهد و...

مسمومیت سریالی به خوابگاه دخترانه یاس ارومیه رسید. ۷۳ نفر شب‌شنبه در خوابگاه یاس ارومیه مسموم شدند. یکی از دانشجویان خوابگاه یاس ارومیه اعلام کرد: از عصر روز شنبه حالت مسمومیت دانشجویها شروع شد و علت آن تاکنون مشخص نشده است.

در این شرایط هولناک، سران و مقامات جمهوری اسلامی، همواره آدرس غلط به جامعه می‌دهند تا نقش جنایتکارانه خود را همچنان مخفی نگاه دارند.

ابراهیم رئیسی، این رییس جمهور قاتل جمهوری اسلامی، روز یکشنبه بار دیگر مسمومیت زنجیره‌ای دختران دانش‌آموز در مدارس شهرهای مختلف کشور را به «توطئه جدید دشمن» نسبت داد.

ابراهیم رئیسی در جلسه هیات دولت بدون ارائه شواهد و مستندات مدعی شد که مسموم کردن دانش‌آموزان با هدف «التهاب آفرینی» در جامعه و «تشویش اذهان عمومی» از سوی «دشمنان» صورت گرفته است.

وزیر کشور دولت رئیسی، ادعا کرده است که «از نخستین حادثه ابتدای آذر ماه در یکی از هنرستاهای قم اتفاق افتاد، پس از قم تاکنون، در ۵۲ مدرسه گزارشاتی دال بر بروز عوارض در برخی دانش‌آموزان این مدارس اعلام شد».

این در حالی است که فقط در روز شنبه ۱۳ اسفند، ده‌ها مدرسه در شهرهای مختلف ایران هدف حمله و مسموم‌سازی قرار گرفتند و اکانت ۱۵۰۰ تصویر فهرستی از اسامی دست‌کم ۶۷ مدرسه را که فقط در روز شنبه دانش‌آموزان دختر در آن هدف مسموم‌سازی قرار گرفتند، منتشر کرد.

همزمان جلیل رحیمی جهان‌آبادی، عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی، در توییتی مدعی شد که هدف عاملان مسموم‌سازی دختران دانش‌آموز «اتهام‌زنی به نظام و تحریک به اعتراض و اغتشاش و تعطیلی و تجمع» است، اما زهره الهیان، دیگر عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس، گفت که «تا تکمیل بررسی‌ها و مشخص شدن عوامل مسمومیت دانش‌آموزان، بهتر است اظهارنظر قطعی صورت نگیرد».

مهدی چمران، رییس شورای شهر تهران، گفته است: «متأسفانه در این میان برخی‌ها دلسوزی‌های تعجب‌برانگیزی می‌کنند. دولت‌هایی همچون انگلستان که در جنگ جهانی ۱۰ میلیون نفر از جمعیت ما را به‌دلیل قحطی مصنوعی که به‌وجود آورده بودند، به کام مرگ کشاندند».

همچنین در جنگ تحمیلی نیز با دادن سلاح کیمیایی به صدام فجایع بزرگی را رقم زدند به شکلی که هنوز در همین شورا افرادی هستند که آثار سلاح‌های کیمیایی را با خود حمل می‌کنند. در چنین شرایطی این افراد برای دانش‌آموزان ما در مدارس دلسوزی می‌کنند.

اتفاقا تجربه نشان داده است هر گاه چنین دلسوزی‌هایی می‌کنند ریشه این کارها خودشان هستند.»

خبرگزاری فارس، وابسته به سپاه، مطلبی با عنوان «شیطنت نوجوانانه پررنگ‌ترین فرضیه» درباره حملات کیمیایی به مدارس سراسر کشور منتشر کرد. این خبرگزاری نوشت «کارشناسان و متخصصان دو فرضیه را در این خصوص پررنگ‌تر می‌دانند یکی احتمال شیطنت نوجوانانه در داخل مدارس و دیگری ترس جمعی است.»

امروز یکشنبه اشاره یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به مسمومیت دانش‌آموزان در مدارس ایران جلسه صبح یکشنبه مجلس را متشنج کرد.

غنی نظری، نماینده خلخال در تذکری در صحن علنی مجلس گفت: «مسمومیت سریالی دانش‌آموزان به خلخال رسید و مردم ناراحت و عصبانی هستند.» او در پاسخ به محمدباقر قالیباف که خواستار بیان تذکرش در مورد دستور جلسه شد افزود: «آقای قالیباف در شهرستان خلخال دانش‌آموزان به دلیل مسمومیت به بیمارستان رفته‌اند و بعد شما توقع دارید من درباره چه چیزی صحبت کنم؟»

او در ادامه گفت: «دانش‌آموزان در خلخال مسموم شده‌اند و من باید اعلام کنم؛ گویا آقای کریمی قدوسی ناراحت می‌شوند پس من دیگر حرفی نمی‌زنم.

در غیاب اطلاعات دقیق‌تر، بسیاری در مورد علت مسمومیت‌های دسته جمعی گمانه‌زنی می‌کنند. همان‌طور که مشخص شد، پیش‌تر نیز مقامات جمهوری اسلامی به جای کمک به دانش‌آموزان با علائم مسمومیت در مراکز درمانی قم، ادعا می‌کردند که این علائم ناشی از فعالیت‌های «خارج از مدرسه» است.

نحوه دقیق مسمومیت‌ها هنوز مشخص نیست. برخی که آن را حملات کیمیایی از نوع گاز می‌دانند و از این نظریه دفاع می‌کنند معتقدند که قربانیان این حملات بویی مانند بوی کلر، محصولات تمیز کننده، نعناع و مرکبات فاسد را احساس می‌کردند.

در همین حال احمد امیرآبادی فراهانی، یکی از اعضای شورای اسلامی شهر به نقل از وزیر آموزش و پرورش، منشأ مسمومیت را استنشاق گاز آمونیاک از سیستم گرمایشی مدارس دانست.

با این حال، با وجود گسترش این مسمومیت‌ها، مقامات جمهوری اسلامی برای مدت طولانی نسبت به آن‌ها واکنشی نشان ندادند که نهایتاً منجر به اعتراض عمومی و واکنش گسترده کنشگران مدنی و خانواده دانش‌آموزان شد.

هادی عبداللهی، دیگر پزشک اورژانس بیمارستان فیاض‌بخش تهران است. او جانباز ۵۰ درصد و کیمیایی است و اتفاقات اخیر رخ داده برای مدارس دخترانه، برای او یادآور وضعیتی است که در دوران جنگ برایش رخ داده بود. او پزشک بیمارستانی است که با تعداد زیادی از دانش‌آموزان مسموم‌شده مواجه شده؛ دانش‌آموزانی که اغلب از مدرسه دخترانه ۱۳ آبان تهران منتقل شده بودند.

او می‌گوید: «نشانه‌های کلی این مسمومیت، همان علائم با احتمال مسمومیت با ماده نامشخص است؛ علائمی مانند حالت تهوع، استفراغ، سردرد، سرگیجه و گرفتگی عضلات. اما به‌طورکلی مشخص است افرادی که عامل این اتفاقات هستند، در پی این بودند که مصدومیت خفیف با جو روانی گسترده‌ای ایجاد کنند.»

بر اساس اعلام این پزشک و با توجه به تجربه‌ای که از دوران جنگ دارد، همچنین شرح حال بیماران که عنوان کرده بودند پس از استنشاق ماده‌ای که بوی سبزی گندیده یا بویی نامطبوعی داشته، دچار علائم شده‌اند:

«هدف این بوده که مسمومیت مشکل عمیقی ایجاد نکند. به‌منظر می‌رسد این اقدامات بیش‌تر در فضای باز صورت می‌گیرد و احتمالاً براساس تجربه زمان جنگ، ماده‌ای به‌صورت نیمه‌جامد یا بخار یا یک ماده اسپری شده که در معرض هوا قرار گیرد، آزاد یا تأخیر و در هوا آزاد می‌شود. آن‌طور که گزارش‌ها نشان می‌دهد استنشاق گاز در فضای بسته، کم‌تر شنیده شده است.»

به گفته عبداللّهی، مسمومیت ناشی از این ماده، استنشاقی است و از طریق هوا و دستگاه تنفس وارد بدن می‌شود. علائم آن هم که جسمی و تنفسی است، اما مسمومیت آن به‌صورت موقت در سیستم مغز و اعصاب و به‌صورت گوارشی یا بر مراکز سرگیجه و تهوع اثر می‌گذارد و مثل گاز منوکسیدکربن پس از دو، سه ساعت یا بیشتر، علائم‌اش برطرف می‌شود. تاکنون از عوارض سنگین جسمی آن چیزی شنیده یا مشاهده نشده است.

این پزشک اورژانس بیمارستان می‌گوید: «در دوران جنگ و دفاع مقدس که مورد حمله کیمیایی قرار می‌گرفتیم، در ابتدا بوی سیر به مشام‌مان می‌خورد و بعد دچار همین عوارض می‌شدیم، به‌تدریج گاز روی پوست‌مان تأثیر می‌گذاشت و تنگی‌نفس پیدا می‌کردیم، بعد دچار سردرد شدید، سنگینی سر، گرفتگی عضلانی، تهوع و استفراغ می‌شدیم و علائم به اوج خود می‌رسید. گاز کیمیایی به‌صورت مایع و فشرده شده و اسپری در بمب‌های کیمیایی قرار می‌گرفت و وقتی چاشنی آن باز می‌شد، مایع و بخار و اسپری تبدیل به گاز می‌شد و کل منطقه را پر می‌کرد. اما در ارتباط با مسمومیت اخیر، هنوز نمی‌دانیم ماده اصلی چیست و تنها با دانش‌آموزانی مواجه‌ایم که دچار علائم شده‌اند.»

به گفته این پزشک، معمولاً نیم‌ساعت پس از انتشار گاز یا بوی نامطبوع، نشانه‌هایش مشخص می‌شود و به‌تدریج تعداد زیادی از افراد را درگیر می‌کند. شاید در کمتر از چند دقیقه این اتفاق می‌افتد و در ادامه روی سیستم مغز و اعصاب‌شان تأثیر می‌گذارد: «عارضه پیش‌آمده دو، سه ساعته و سطحی است، البته، چون منشأ آن مشخص نیست، نمی‌توان گفت که در آینده چه عوارضی خواهد داشت. آیا جهش ژنی ایجاد می‌کند یا خیر را نمی‌دانیم. اصلاً هم نمی‌توان پیش‌بینی کرد عوارض آن چه خواهد بود.» بر اساس اعلام او، گاز‌هایی که درباره آن صحبت می‌شود قطعاً در اختیار همه نیست.

برخی‌ها آگاهانه و یا ناآگاهانه این حملات کیمیایی به مدارس را به ماموران «خودسر» نسبت می‌دهند در حالی که در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، هیچ مامور خودسر وجود ندارد، بلکه برعکس همه آن‌ها آموزش دیده و تحت امر نهادهای امنیتی و نهایتاً به خود بیت رهبری وصل هستند.

مسمومیت سریالی دانش‌آموزان دختر در ایران فرضیه نقش نیروهای خودسر یا آن‌هایی را که خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ایران «آتش به اختیار» توصیف می‌کند، مطرح کرده است؛ فرضیه‌ای که حامیان آن توالی نهیب و تشر زدن‌های علی خامنه‌ای در سخنرانی‌ها و به راه افتادن موجی از برخوردهای قوای رسمی و غیررسمی حامی او را بیراهه نمی‌دانند، برخوردهایی که در طول دوران رهبری او بارها رخ داده است: از توقیف «فله‌ای مطبوعات» و برخورد با «دگراندیشان» تا مسمومیت مرموز دختران نوجوانی که علیه حجاب اجباری شوریده‌اند و خامنه‌ای چندی پیش از «تنبیه» آن‌ها سخن به میان آورده بود.

خامنه‌ای، مهر ماه گذشته، در سخنرانی خود گفت: «این کسانی که در خیابان‌ها فساد و تخریب می‌کنند، همه یک حکم ندارند برخی جوانان و نوجوانانی‌اند که بر اثر هیجان ناشی از ملاحظه یک برنامه اینترنتی به خیابان می‌آیند. چنین افرادی را می‌توان با یک تنبیه متوجه کرد که اشتباه می‌کنند.»

بر همین اساس، گروهی این فرضیه را در شبکه‌های اجتماعی مطرح کرده‌اند که مسمومیت دانش‌آموزان از سوی گروهی سازمان‌دهی شده که برای اجرای برنامه‌های اتاق فکر پشتیبان خواسته‌های رهبر ایران شکل گرفته،

خواسته‌هایی که یکی از تازمترین آن‌ها «تنبیه نوجوانان هیجان‌زده» بوده است. به ویژه دختران دانش‌آموزی که مقنعه‌های خود را پس از به راه افتادن جنبش زن، زندگی، آزادی از سر درآوردند و در مسیر مدارس خود حتی علیه رهبر جمهوری اسلامی شعار دادند و مراسم روسری سوزی به راه انداختند.

او پنج سال پیش در جمع افرادی که آن‌ها را «افسران جنگ نرم» می‌خواند، از «تمام هسته‌های فکری و عملی جهادی» در سراسر ایران خواسته بود که «مستقل و آتش به اختیار کار» کنند. خامنه‌ای گفته بود: «آن جایی که احساس می‌کنید دستگاه مرکزی اختلالی دارد و نمی‌تواند درست مدیریت کند، آن‌جا آتش به اختیارید و خودتان تصمیم بگیرید، فکر کنید، پیدا کنید، حرکت کنید، اقدام کنید.»

منتقدان او یادآوری می‌کنند که طی بیش از دو دهه گذشته نیز چند بار دیگر، بلافاصله پس از سخنرانی‌هایی او که حاوی نهیب و تشر بوده، «هسته‌های فکری و عملی جهادی» وارد عمل شده‌اند.

پس از افشای نقش عوامل سیستم امنیتی و اطلاعاتی جمهوری اسلامی در قتل‌های زنجیره‌ای روشنفکران، نویسندگان و برخی چهره‌های سیاسی در دهه ۱۳۷۰ نیز برخی مقام‌های رسمی فعال در این پرونده مدعی شدند که تعدادی از آن عوامل از مریدان رهبر جمهوری اسلامی بوده‌اند و اقدام‌های خود را در جهت رفع دغدغه‌های او در مورد نفوذ دشمن می‌دانسته‌اند. همچنین، افشای تلاش سعید امامی، متهم ردیف اول این پرونده، برای اعمال محدودیت‌هایی بیش‌تر بر نویسندگان و روزنامه‌نگاران با هدف ساماندهی و کنترل فضای فرهنگی کشور، موجب تعطیلی روزنامه منتقد سلام و شکل‌گیری حادثه حمله شبانه نیروهای لباس شخصی به کوی دانشجویان دانشگاه تهران شد و به مجموعه اعتراضاتی منجر شد که در نهایت نیز پس از سخنرانی علی خامنه‌ای و سرکوب دانشجویان پایان یافت.

ابتدای شهریور سال ۱۳۷۹ هم علی خامنه‌ای در سخنرانی خود در مصلی تهران، گفت: «بعضی از این مطبوعاتی که امروز هستند، پایگاه‌های دشمنند؛ همان کاری را می‌کنند که رادیو و تلویزیون‌های بی‌بی‌سی و آمریکا و رژیم صهیونیستی می‌خواهند بکنند... ۱۰ تا ۱۵ روزنامه گویا از یک مرکز هدایت می‌شوند، تیترهایی می‌زنند که هر کس نگاه کند، فکر می‌کند همه چیز در کشور از دست رفته‌است. امید را در جوانان می‌میرانند، روح اعتماد به مسئولین را در مردم ضعیف می‌کنند، نهادهای رسمی را تضعیف می‌کنند، مدل این‌ها کیست؟ مطبوعات غربی هم این‌گونه نیستند، این یک شارلاتانیسم مطبوعاتی است.»

از سه روز بعد، توقیف روزنامه‌های «اصلاح‌طلب» آغاز شد و قوه قضاییه ایران با احکام صادر شده از سوی سعید مرتضوی، قاضی جوان انقلابی و تحت امر مستقیم رهبر جمهوری اسلامی ایران در خصوص تهاجم فرهنگی و نفوذ غرب به‌ویژه در میان روشنفکران و روزنامه‌نگاران، طی دو مرحله ۱۸ روزنامه و نشریه را توقیف کرد.

برای مثال، چند سال پیش سیداحمد علم‌الهدی، اما جمعه مشهد و پدر زن ابراهیم رئیسی، درباره فرمان «آتش به اختیار» خامنه‌ای گفته بود: «فرمان «آتش به اختیار» به این معنا نیست که خودسرانه عمل کنید، «آتش به اختیار» یعنی با احساس و ابتکار جلو رفته و در برابر خط مقابله با آرمان‌ها و مقاصد اصلی و اصول ارزشی انقلاب بایستید، دفاع کنید و با دشمن بجنگید.»

علم‌الهدی با تشریح مفهوم کلمه «آتش به اختیار»، عنوان کرد: «این‌که مقام معظم رهبری فرمودند «آتش به اختیار» نه این‌که کسی خودسرانه عملی انجام دهد، یعنی مقام معظم رهبری نسبت به نیروی حزب‌اللهی متدین و جوانان ولایی امروز آن‌قدر اطمینان و اعتماد دارند که می‌گویند شما بدون اعلام از قرارگاه فرمانده‌ای می‌توانید «آتش به اختیار» عمل کنید، چون شما هم دشمن را می‌شناسید و هم می‌توانید دشمن براندازی داشته باشید.»

اکنون حملات سیستماتیک و سراسری با مواد کیمیایی به مدارس دخترانه در استان‌های کشور، نه توسط ماموران «خودسر» بلکه بر عکس، توسط نهادهای حرفه‌ای تحت نظر نهادهای امنیتی و با فرمان حکومتی در جریان است.

خبرگزاری فارس، وابسته به سپاه پاسداران ایران، در گزارشی خبر داده بود که نهادهای «اطلاعاتی- حفاظتی» در جمهوری اسلامی از سال ۱۳۶۸ تاکنون از پنج نهاد به ۱۶ نهاد افزایش یافته است.

این خبرگزاری در گزارش خود نوشت که بر اساس قانون تاسیس وزارت اطلاعات در سال ۱۳۶۲ و قانون تمرکز اطلاعات، مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۶۸، «وزارت اطلاعات»، «واحد اطلاعات سپاه پاسداران»، «واحد اطلاعات ارتش جمهوری اسلامی»، «واحد اطلاعات نیروی انتظامی» و «حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران» نهادهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی بودند.

خبرگزاری فارس در ادامه گزارش خود می‌نویسد که طی دو دهه اخیر «نهادهای اطلاعاتی و حفاظتی جدیدی نیز تاسیس شده و تعداد نهادهای اطلاعاتی-حفاظتی کشور هم اکنون به ۱۶ نهاد افزایش یافته است.»

خبرگزاری فارس در گزارش خود اشاره‌ای به نام نهادهایی که به گفته این خبرگزاری در دو دهه اخیر تاسیس شده‌اند نکرده است.

حفاظت اطلاعات قوه قضاییه جمهوری اسلامی از جمله نهادهایی است که در قانون تشکیل وزارت اطلاعات به آن اشاره‌ای نشده و بر اساس گزارش‌ها بیش از یک دهه قبل تاسیس شده است.

در همین زمینه سعید مرتضوی، دادستان سابق تهران، گفته بود که حفاظت اطلاعات قوه قضاییه از یک دهه قبل فعالیت می‌کند و به «پرونده‌های مهمی» رسیدگی کرده است.

ستاد حفاظت اجتماعی قوه قضاییه نیز از جمله دیگر نهادهایی است که در زمان ریاست محمود هاشمی شاهرودی بر قوه قضائیه تاسیس شد.

از سوی دیگر، بر اساس گزارش‌ها در دفتر رهبر جمهوری اسلامی که از آن به‌عنوان «بیت رهبری» نام برده می‌شود، نیز دفاتری با عنوان دفاتر حفاظت اطلاعات مشغول به فعالیت هستند.

دفتر عمومی حفاظت اطلاعات فرماندهی کل قوا از جمله دفاتری است که رئیس آن با حکم مستقیم رهبر جمهوری اسلامی انتخاب می‌شود و وظیفه ارتباط با سازمان‌های اطلاعاتی نیروهای مسلح را بر عهده دارد.

سازمان حفاظت اطلاعات وزارت دفاع از جمله دیگر سازمان‌های اطلاعاتی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی است.

مرکز تحقیقات اسلامی مجلس که یک نهاد پژوهشی وابسته به مجلس شورای اسلامی است، نیز در تیرماه ۱۳۹۳ در گزارشی خبر داد که در ایران تشکیلاتی به نام «قاضی شنود» با تایید رهبر جمهوری اسلامی ایران انتخاب می‌شود و تنها به او و رئیس شورای عالی امنیت ملی پاسخگو است.

در ماده دو قانون اساسی نام تشکیلاتی وزارت اطلاعات شورایی برای برقراری هماهنگی بین دستگاه‌های اطلاعاتی با ۹ عضو پیش‌بینی شده است.

علاوه بر نمایندگان پنج دستگاه اطلاعاتی مورد اشاره در گزارش خبرگزاری فارس، دادستان کل کشور، وزیر کشور یا نماینده تام‌الاختیار او، وزیر امور خارجه یا نماینده تام‌الاختیار او و مسئول حفاظت اطلاعات ارتش اعضای این ستاد را تشکیل می‌دهند.

خبرگزاری فارس در گزارش خود تهیه برآوردهای اطلاعاتی- امنیتی مشترک و پیگیری و هماهنگی اجرای «کیس‌ها» (پرونده‌ها) و عملیات‌های اطلاعاتی مشترک را از جمله اقدامات این شورا در یک سال اخیر ذکر کرده است.

پس از اعتراضات آبان ۱۳۹۸ و تیر ۱۴۰۰ نیز نیروی انتظامی جمهوری اسلامی به «فرماندهی انتظامی» ارتقا یافت و همزمان «سازمان اطلاعات کشور» نیز تشکیل شد.

پیش‌تر نیز مقامات انتظامی ایران گفته بودند که در ساختار جدید، پلیس اطلاعات و امنیت عمومی ناجا به دو مجموعه «سازمان اطلاعات» و «پلیس امنیت عمومی» تبدیل شده است.

پلیس امنیت عمومی همان نهادی است که «پلیس امنیت اخلاقی» از زیر مجموعه‌های آن بوده و این واحد عامل قتل مهسا امینی و سرکوب گسترده زنان در ایران محسوب می‌شود.

در ساختار نیروی انتظامی ایران افزون بر پلیس اطلاعات، واحد دیگری به نام «سازمان حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی» نیز وجود دارد.

در همین رابطه، علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی در واکنش به اعتراضات سراسری کنونی خواستار شدت عمل و سرکوب این اعتراضات توسط نهادهای امنیتی و قضایی شد. خامنه‌ای معترضان را به دو دسته تقسیم کرد و با نامیدن دسته اول به «عامل دشمن» یا «هم‌جهت با دشمن» تهدید کرد که «دسته اول را مسئولین قضایی و امنیتی موظفند کارهایشان را انجام بدهند».

با وجود تعدد و گسترش نهادهای اطلاعاتی در ایران که نشانه غلبه رویکرد امنیتی بر حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور است، جمهوری اسلامی هم‌زمان شاهد افزایش اعتراضات عمومی و انجام اقدامات موفقیت‌آمیز نهادهای اطلاعاتی خارجی در کشور بوده است.

چندی پیش هم به‌دلیل افزایش ترور مسئولین مرتبط با برنامه‌های اتمی و موشکی، افزایش عملیات خرابکاری در تاسیسات هسته‌ای و نظامی و هم‌زمان شکست طرح‌های ترور در خارج و بازداشت تیم‌های وابسته به نهادهای اطلاعاتی ایران در برخی کشورها، حسین طائب، رییس سازمان اطلاعات سپاه توسط رهبر جمهوری اسلامی برکنار شد.

با وجود این که وزارت اطلاعات قدیمی‌ترین و صاحب پرشمارترین نیرو است اما در حال حاضر قدرتمندترین نهاد اطلاعاتی کشور، سازمان اطلاعات سپاه است که این موضوع را محمود علوی، وزیر اطلاعات نیز تایید کرده است. خامنه‌ای بر تمام دستگاه‌های امنیتی نظارت کامل دارد. رییس سازمان اطلاعات سپاه را شخص رهبر تعیین می‌کند و تمام مقامات ارشد نیروهای زمینی، هوافضا، دریایی، قدس، بسیج و اطلاعات سپاه و حفاظت اطلاعات آن‌ها تماماً با نظر او منصوب می‌شوند، مستقیماً فقط به شخص او پاسخگو هستند و هیچ پاسخ‌گویی به مجلس شورای اسلامی و دولت ندارند.

همچنین وزیر اطلاعات به‌عنوان دومین مقام اطلاعاتی کشور، به پیشنهاد رییس جمهوری و با تایید مستقیم خامنه‌ای انتخاب می‌شود. پس وزارت اطلاعات نیز بیش از این که زیر نظر رییس جمهوری باشد، زیر نظر رهبر است. رییس جمهوری حتی رییس هیات دولت هم نیست چرا که ۹ وزیر کابینه با نظر رهبر انتخاب می‌شوند. همچنین حفاظت اطلاعات ناجا، قوه قضاییه، اطلاعات نیروهای مسلح و... همگی با نظر خامنه‌ای فعالیت می‌کنند و دفتر عمومی حفاظت اطلاعات فرمانده کل قوا همه این نهادها را اداره می‌کند.

«خانه‌های امن» نهادهای اطلاعاتی و به اصطلاح «نیروهای خودسر» هم زیرمجموعه‌های اطلاعاتی در دست رهبر است. این خانه‌های امن همگی زیر نظر رهبر و کاملاً مخفی هستند.

اکنون تا آنجا که به حملات کیمیایی به مدارس دخترانه برمی‌گردد هیچ خبری از این نیروها امنیتی نیست در حالی که اگر کسی اطلاعاتی علیه حکومت پخش کند و یا شعار بنویسد بلافاصله توسط این نهادهای امنیتی شناسایی و دستگیر

و زندانی و حتی اعدام می‌گردد. اما در این سه ماه، هیچ فردی مظنون به پخش مواد شیمیایی در مدارس دخترانه، دستگیر نشده است. پس روشن است که خود این نهادها در این جنایت تازه حکومتی مانند همه جنایت‌های گذشته آن، دست دارند.



همزمان با تداوم مسمومیت دانش‌آموزان دختر در شهرهای مختلف ایران، اعتراض‌ها در شهرهای مختلف با برگزاری تجمع، سر دادن شعارهای شبانه و دیوارنویسی ادامه پیدا کرد و موضوع مسمومیت دانش‌آموزان به شعارهای اعتراضی شبانه هم راه یافت.

در تهران، معترضان ساکن نارمک و شهرک باقری‌شنبه شب، در اعتراض به حملات کیمیایی به مدارس، شبانه شعارهای «مرگ بر حکومت بچه‌کش»، «مرگ بر خامنه‌ای، لعنت بر خمینی»، «امسال سال خونه، سیدعلی سرنگونه» و «مرگ بر خامنه‌ای» سر دادند. معترضان در جنت‌آباد نیز با شعارهای «مرگ بر خامنه‌ای»، «مرگ بر دیکتاتور» و «مرگ بر حکومت بچه‌کش» اعتراض خود را به جمهوری اسلامی نشان دادند.

ساکنان شهرزیبا نیز با سر دادن شعار «جمهوری اسلامی نمی‌خوایم، نمی‌خوایم» بار دیگر از خیزش سراسری مردم ایران حمایت کردند. معترضان ساکن حوالی خیابان ولی‌عصر تهران نیز با شعارهای «مرگ بر خامنه‌ای»، «مرگ بر جمهوری اسلامی» و «مرگ بر دیکتاتور» اعتراض خود را فریاد زدند. در تهرانپارس، هم معترضان علیه جمهوری اسلامی شعار دادند و با به صدا درآوردن شیپور، اعتراض خود را اعلام کردند.

معترضان در بلوار فردوس و پونک نیز شبانه شب با سر دادن شعارهای شبانه از اعتراض‌های سراسری حمایت کردند و با سر دادن شعارهایی علیه حکومت جمهوری اسلامی خواهان براندازی این حکومت شدند. معترضان در بلوار فردوس در حمایت از اعتراض‌های مردم در استان‌های سیستان و بلوچستان و گلستان، شعار «زاهدان، گلستان، چشم و چراغ ایران» سر دادند.

شامگاه شب ۱۳ اسفند از محله امیرآباد تهران نیز شعارهای شبانه شنیده شد. معترضان این محله شعار «آهای آهای نشسته‌ها، مسموم بعدی از شما است» سر دادند.

دانشجویان دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران در اعتراض به مسمومیت‌های زنجیره‌ای دانش‌آموزان در مدارس به شعارنویسی روی دیوارهای دانشگاه متوسل شدند و نوشتند: «مدرسه مسموم بشه، دانشگاه باز پا می‌شه» در همین راستا، صبح شب ۱۳ اسفند، پس از حمله دوباره به مدارس، شماری از والدین دانش‌آموزان در رشت با تجمع مقابل اداره آموزش و پرورش استان گیلان، خواستار پاسخگویی رئیس آموزش و پرورش و مسئولان شدند. در کرمانشاه نیز والدین دانش‌آموزان مقابل ساختمان آموزش و پرورش این شهر تجمع کردند. در پی برگزاری این تجمع اعتراضی، نیروهای انتظامی و لباس شخصی به محل اعزام شدند و والدین معترض را ضرب‌وشتم کردند.

در اردبیل نیز والدین معترض دانش‌آموزان مقابل ساختمان آموزش و پرورش این شهر تجمع اعتراضی برگزار کردند. مدارس این شهر نیز طی روزهای گذشته هدف حملات کیمیایی قرار گرفته‌اند.

در پی برگزاری تجمع اعتراضی مقابل برخی مدارس در شهر تهران، نیروهای پلیس و لباس‌شخصی والدین دانش‌آموزان را ضرب‌و‌شتم و برخی از آن‌ها را بازداشت کردند. خانواده تعدادی از دانش‌آموزان در تهران روز شنبه در اعتراض به مسمومیت گسترده در مدارس، مقابل اداره آموزش و پرورش منطقه ۲ تهران تجمع کردند. معترضان در این تجمع اعتراضی شعار «مرگ بر طالبان، چه ایران چه افغان» سر دادند. والدین دانش‌آموزان در شهر اصفهان نیز با تجمع مقابل ساختمان آموزش و پرورش این شهر شعار «اسید پاشی مسمومیت، هر دو یک جنایت» سر دادند.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران پیش از این و در اعتراض به مسمومیت‌های سریالی، با صدور فراخوانی اعلام کرد که در روز شانزدهم اسفندماه در شهرهای مختلف تجمع اعتراضی برگزار می‌کند. پس از صدور این فراخوان، گروه‌های مختلف صنفی و بسیاری از مردم از این تجمع اعتراضی حمایت و اعلام کردند که در کنار معلمان، در این تجمع اعتراضی شرکت خواهند کرد. دانشجویان متحد، شورای بازنشستگان، دانش‌آموزان انقلابی و کارگران سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه نیز با صدور بیانیه‌هایی اعلام کردند که از تجمع معلمان حمایت می‌کنند. این تجمع روز سه‌شنبه شانزدهم اسفند ساعت ۱۰ صبح برگزار خواهد شد. تجمع معلمان در تهران مقابل مجلس شورای اسلامی، در مراکز استان‌ها، مقابل اداره کل آموزش و پرورش و در شهرستان‌ها، مقابل ادارات آموزش و پرورش خواهد بود.

با وجود انکار مسئولان طی این مدت بیش از هزار دانش‌آموز عمدتاً دختر در سراسر ایران با علائم مسمومیت روانه بیمارستان‌ها شدند و حالا که ماجرا ابعاد وسیع‌تری پیدا کرده است، حکومتی‌ها در اقدامی هماهنگ می‌کوشند سریال مسموم‌سازی دختران را به «دشمنان خارج از کشور» نسبت دهند. در سوی دیگر این ماجرا بسیاری از مردم قرار دارند که این جمله تکراری را بر زبان می‌آورند «کار خودشان است».

این گمانه‌زنی‌ها پس از آن قوت گرفت که زمزمه‌هایی شنیده شد مبنی بر اینکه گروه‌هایی موسوم به «فداییان ولایت» و «هزاره‌ها» با دیدگاه‌های طالبانی در مسموم‌سازی‌های دانش‌آموزان دست دارند و هدف آنان تعطیلی مدارس دخترانه و خانه‌نشین کردن دانش‌آموزان دختر است.

نهادهای امنیتی و قضایی از هرگونه پاسخ‌گویی به افکار عمومی درباره عاملان مسموم‌سازی دختران طفره می‌روند و والدین دانش‌آموزان می‌گویند اگر حکومت راست می‌گوید و پای عوامل خارجی در میان است، باید عاملان را معرفی و مجازات کند. به باور آنان ماجرای مسمومیت‌های زنجیره‌ای دختران مانند سریال اسیدپاشی‌های اصفهان است که با فتوای امام‌جمعه این شهر و چراغ سبز حکومت انجام شد و عاملان آن هرگز معرفی و مجازات نشدند.

اکنون این سؤال‌ها برای افکار عمومی در ایران مطرح است که مسموم‌سازی سریالی دختران با چه اهدافی انجام می‌شود؟ اگر این اقدام همان‌طور که جمهوری اسلامی ادعا می‌کند کار مخالفان خارج از کشور بود شناسایی و دستگیری عاملان این‌قدر طول می‌کشید و آیا اساساً نیازی به این‌همه تناقض‌گویی و مخفی‌کاری وجود داشت؟

گوهر عشقی در میانه دور جدید اعتراضات در ایران اعلام کرد که پس از ۸۰ سال زندگی، روسری از سر خود برمی‌دارد و از این پس حجاب بر سر نخواهد کرد.

گوهر عشقی مادر ستار بهشتی و بلاگ نویسی که در سال ۱۳۹۱ در بازداشتگاه نیروی انتظامی تحت شکنجه جان باخت، گفته است که به صورت تلفنی تهدید به خفه شدن با گاز سمی شده است.

بنیاد ستار بهشتی، در حساب توییتری خود خبر داده که خانم عشقی در یک تماس تلفنی که شماره آن مشخص نبوده تهدید شده که در صورتی که سکوت نکند و به اعتراضات ادامه دهد، با گاز سمی خفه خواهد شد. گوهر عشقی هم در واکنش در توییتر خود نوشته است «قسم به خون فرزندانم، دختران شیر دل و پسران دلیرم، ایستاده ام تا پایان».

خانم عشقی از مادران دادخواه در ایران است که به‌طور علنی از جمهوری اسلامی ایران انتقاد می‌کند و خواستار به پایان رسیدن نظام حاکم بر ایران است. او در جریان اعتراضات اخیر در ایران که ابتدا در اعتراض به حجاب اجباری شکل گرفته بود اعلام کرد که به احترام کشته‌شدگان و مردم معترض ایران پس از ۸۰ سال زندگی، روسری از سر خود برمی‌دارد و از این پس حجاب بر سر نخواهد کرد.

خانم عشقی پیش از این هم هدف ضرب و جرح گرفته بود. سال گذشته او در این باره گفت در راه امام‌زاده‌ای بود که پسرش در آن به خاک سپرده شده است، و دو نفر بر روی موتور به او نزدیک شدند و یکی از موتورسواران او را به زمین زد.

تهدید خانم عشقی به مرگ با گاز سمی در حالی است که در روزهای اخیر موارد مسمومیت دختران دانش‌آموز افزایش قابل توجهی داشته است.

شواهد حاکی از آن است که جمهوری اسلامی ایران، این حملات کیمیایی را سازمان داده تا از دانش‌آموزان دختر دبیرستانی که در جریان انقلاب نوین ایران فعال بودند انتقام بگیرد.

پزشکان و پرستاران از ارائه هرگونه اطلاعاتی درباره مصدومان منتقل‌شده به بیمارستان‌شان هراس دارند. اغلب پرستاران تمایلی به صحبت کردن ندارند و پزشکان هم توضیحات کوتاهی درباره آنچه رخ داده، می‌دهند. آن‌ها نگران پیامدهای این اطلاع‌رسانی و برخوردهای احتمالی از سوی مدیران بیمارستان هستند. هرچند بعضی می‌گویند، به آن‌ها اعلام شده هیچ صحبتی نداشته باشند و اطلاعاتی ندهند؛ دستوراتی که گفته می‌شود از مقامات بالادستی و از خود وزارت بهداشت آمده است. هیچ‌یک از مسئولان این وزارتخانه هم حاضر به مصاحبه و ارائه توضیح درباره آنچه اتفاق افتاده، نیستند.

سخن‌گوی وزارت بهداشت پاسخ تلفن نمی‌دهد و مسئولان دیگر، مجوز مصاحبه درباره این موضوع را ندارد و ماجرا را به صحبت‌های اخیر وزیر بهداشت درباره این موضوع ارجاع می‌دهند. نهم اسفندماه بهرام عین‌اللهی، وزیر بهداشت اعلام کرد که مسمومیت دانش‌آموزان ناشی از نوعی سم خفیف بوده است که عارضه‌ای برای کسی نداشته و افراد چند ساعت دچار علائم بی‌حالی و ضعف شده بودند.

خبرهای رسیده از بیمارستان‌ها، اما آن‌طور که وزیر بهداشت اعلام می‌کند، نیست و گفته می‌شود مسمومیت‌ها چندان هم خفیف نبوده است.

در آخرین واکنش‌ها کانون صنفی معلمان روز چهارشنبه در بیانیه‌ای در این زمینه نوشت: «یک فرض قوی این است که در پی بازپس‌گیری دستاوردهای جنبش «زن، زندگی، آزادی» از طریق ایجاد هراس اجتماعی بین دختران و خانواده‌های آن‌هاست.»

این کانون اضافه کرد که ضمن «محکومیت شدید این اقدامات و مسامحه دستگاه‌های مسئول در پیگیری و روشن ساختن این موضوع پس از پذیرش و اعلام عمدی و سازمان‌یافته بودن این حمله‌های تروریستی به مدارس دخترانه، منتظر اقدامات عملی و فوری نهادهای مسئول، در سطح مقابله با اقدامات تروریستی» خواهد بود.

هنوز مشخص نیست که مسمومیت‌ها ناشی از چه نوع گازی است و با وجود گذشت بیش از سه ماه از حملات کیمیایی سریالی به مدارس، رسانه‌های ایران می‌گویند برای تشخیص دقیق نوع گازی که به سمت مدارس پرتاب می‌شود نیاز به بررسی بیش‌تری است.

معاون وزیر کشور جمهوری اسلامی ایران، ادعا کرده است: «طراحان مسمومیت دختران همان طراحان شعار زن زندگی و آزادی هستند».

مجید میراحمدی، معاون وزیر کشور ایران روز دوشنبه موج مسمومیت دختران در مدارس کشور را به مخالفان حکومت نسبت داد.

وزارت کشور ایران مامور رسیدگی به پرونده مسمومیت دانش‌آموزان شده است. معاون این وزارتخانه گفت: «طراحان مسمومیت دختران و طراحان شعار زن زندگی و آزادی و جنگ ترکیبی دو روی یک سکه‌اند».

او افزود: «هدف اصلی آن‌ها ناامنی روانی خصوصا برای دختران دانش‌آموز، به تعطیلی کشاندن مدارس و سپس اتهام‌زنی به نظام است تا بتوانند مجددا شعله خاموش شده اغتشاشات را روشن کنند».

سخنان معاون احمد وحیدی، وزیر کشور ایران در حالی بیان می‌شود که معترضان موج مسمومیت‌ها در مدارس دخترانه را «انتقام‌گیری» مقام‌های جمهوری اسلامی از زنان و دختران فعال در اعتراض‌ها می‌دانند.

تکرار این مسمومیت‌ها باعث شده است که برخی از والدین فرزندان خود را به مدرسه نفرستند، در حالی که برخی دیگر استدلال می‌کنند که دور نگه‌داشتن دختران از مدرسه تنها به اهداف حکومت در سرکوب انقلاب «زن، زندگی، آزادی» کمک می‌کند.

بی‌گمان مردم انقلابی و خواهان تغییر ایران به‌ویژه جوانان دختر و پسر، دانش‌آموزان و دانشجویان، کارگران، فرهنگیان، روشنفکران و هنرمندان مردمی و... همچون گذشته باز هم این ترفند جنایت‌کارانه جمهوری اسلامی را خنثی خواهند کرد و انقلاب «زن، زندگی، آزادی» را به پیروزی خواهند رساند!

یکشنبه چهاردهم اسفند- حوت- ۱۴۰۱- پنج‌مهر ۲۰۲۳

ضمیمه:

بیانیه قانون صنفی معلمان در ارتباط با ایجاد مسمومیت‌های عمدی در مدرسه‌های دخترانه سرانجام پس از گذشت بیش از سه ماه انکار، تکذیب و آدرس غلط دادن، وزارت بهداشت مسمومیت دانش‌آموزان دختر در شهرهای مختلف و دادستان کل، عمدی و سازمان‌یافته بودن این حمله‌ها را تایید کردند.

پرسش‌هایی مانند اینکه آمران و عاملان چه کسانی هستند و آیا قرار است برای افکار عمومی توضیحی داده شود و نتایج پیگیری رسانه‌ای شود یا خیر، وقایع تلخ اسیدپاشی در اصفهان را به یاد می‌آورد و مظنونین اولیه‌ای که جز افراتیون مذهبی نخواهند بود و انتظار برای این‌که اقدامی انجام پذیرد را دور از ذهن می‌نماید.

بنا بر تعریف پلیس بین‌الملل این حمله‌های سمی از جنس بیوتروریسم است. یک فرض قوی این است که در پی بازپس‌گیری دستاوردهای جنبش «زن، زندگی، آزادی» از طریق ایجاد هراس اجتماعی بین دختران و خانواده‌های آن‌هاست.

واقعیت این است که با حاکم شدن گفتمان نظامی-مداح بر نظام سیاسی کشور، زمینه برای اقدامات دیدگاه‌های واپس‌گرا در جامعه از پیش از آن نیز بیش‌تر فراهم شد. نیروهایی که قبلا در مواردی برای دستیابی به برخی اهداف کوتاه مدت به کار گرفته شده و میدان عمل می‌یافتند، اکنون خود را صاحب اختیار و میدان‌دار اصلی می‌دانند و با امنیت کامل

جولان می‌دهند و امنیت خاطر، سلامت جسم و روان جامعه را به هیچ می‌انگارند و مترصد تحمیل و حاکم کردن باورهای واپس‌گرایانه خود بر جامعه هستند و چه بسا روسای سابق خود را نیز کنار می‌زنند. این همان آتش به اختیاری است که اکنون دامن نظام اجتماعی و سیاسی حاکم را گرفته است.

بی‌تردید چنین فرضیه‌هایی از جانب دستگاه‌های تبلیغاتی حکومتی مردود اعلام می‌شوند و باید منتظر همان جمله‌های کلیشه‌ای همیشگی از زبان سردمدار نشان باشیم. اما اگر بناست افکار عمومی باور کند که این اقدامات متحجرانه منشائی غیر از نیروهای خودی دارد، لازم است دستگاه‌های مسئول بدون اتلاف وقت بیش از این، چندین اقدام را فوراً به اجرا گذارند:

۱. سران سه قوه به‌نحوی شفاف و قاطع علیه این اقدامات تروریستی موضع‌گیری کرده و صریحاً آن را محکوم کنند.
۲. حمله به دختران دانش‌آموز، با ظن انجام آن توسط افراطیون مذهبی، حمله به عمیق‌ترین باورهای اعتقادی، فرهنگی و ارزشی جامعه است؛ بنابراین ضرورت دارد، رهبر جمهوری اسلامی، سردمداران حوزه‌های علمیه و تمام متولیان رسمی دین، برای رفع شبهه تحجر از دامن اعتقادات مورد قبول‌شان، صراحتاً بر علیه این اقدامات موضع‌گیری کنند. اگر کنار رفتن روسری یا برداشتن آن باعث می‌شود برای حفظ ایمان مردم احساس خطر کنند، تهدید جان کودکان دختر و حفظ آبروی دین‌شان از برجسب تحجر و تروریسم، موضع‌گیری قاطع‌تری را می‌طلبد.

۳. اگرچه دیر هم شده، اما دستگاه‌های امنیتی و قضایی اگر هم تاکنون ظاهراً به این موضوع ورود نکرده‌اند، باید به‌طور جدی و سریع به این موضوع وارد شوند. عاملان و مهمتر از آن منشاء عقیدتی و صاحبان این باورها را شناسایی کرده بدون هیچ ملاحظه‌ای به جامعه معرفی و البته مجازات کنند. باید مشخص شود چه کسانی واقعا « علیه امنیت ملی» اقدام می‌کنند. توضیحات این دستگاه‌ها تاکنون دست‌کم نمایندگان مجلس را که قانع نکرده است.

۴. وزارت آموزش و پرورش، شخص وزیر و به ویژه حراست آموزش و پرورش ضمن محکومیت رسمی این حمله‌ها، باید گزارشی از اقدامات عملی خود در سه ماه گذشته برای مقابله با حمله به مدارس و حفاظت از جان و سلامت روان دانش‌آموزان که از وظایف اصلی آنان است، ارائه کنند. حراست‌ها باید مشخص کنند که در شرح وظایف‌شان به جز برخورد و پرونده‌سازی برای معلمان منتقد و معترض، حراست از جان دانش‌آموزان نیز جایی دارد یا خیر؟

۵. وزارت آموزش و پرورش ضمن اعلام موضع و پیگیری‌های قضایی، اعلام کند چه برنامه‌هایی در راستای ایجاد جایگاهی ارزشمند برای زنان و دختران در مدرسه، خانواده و جامعه دارد؟

۶. دستگاه‌های تبلیغاتی رسمی، به ویژه رادیو و تلویزیون که برای مسائلی بسیار کم‌اهمیت‌تر -البته در کشورهای اروپایی و آمریکا- ده‌ها خبر و تفسیر تهیه می‌کنند و صدها بار از شبکه‌های مختلف، پخش می‌کنند؛ اگر به راستی با این تفکرات واپس‌گرایانه، مرزبندی دارند، ضروری است ضمن تشریح و روشن‌گری دقیق موضوع و البته پیگیری آن، ریشه‌های فکری آن را نیز روشن کنند.

۷. جدای از نهادهای رسمی حکومتی، تمامی شهروندان به‌طور عام و والدین و نهادهای صنفی و مدنی به‌صورت خاص باید در این باره موضع‌گیری و علیه برهم زنندگان امنیت فرزندان‌شان و کل جامعه، اقدامات قانونی و اعتراضی لازم را انجام دهند.

کانون صنفی معلمان ایران ضمن محکومیت شدید این اقدامات و مسامحه دستگاه‌های مسئول در پیگیری و روشن ساختن این موضوع پس از پذیرش و اعلام عمدی و سازمان‌یافته بودن این حمله‌های تروریستی به مدارس دخترانه،

منتظر اقدامات عملی و فوری نهادهای مسئول، در سطح مقابله با اقدامات تروریستی و موضع‌گیری‌های صریح مطرح شده در بالاست و به سهم خود پیگیر اقدامات بعدی نیز خواهد بود.

کانون صنفی معلمان ایران

۱۰ اسفند- حوت- ۱۴۰۱